



— پیمانہ و دانہ —

شرح و تفسیر همه داستان‌های مثنوی معنوی
به نثر روان امروزی

بیانیه و دالعه شرح و التفسیر همه داستان‌های مثنوی معنوی به نثر روان امروزی، مهدی سیاح زاده ویراستار مهدی سجودی مقدم
تصویرسازی سمانه شریفی
تهران: مهراندیش ۱۳۹۵
۱۶۰ ص. - مقبوض
۹۷۸-۶۰۰-۶۳۹۵-۲-۰۳

مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۶ - ۶۷۲ ق. مثنوی - اقیانوسها

سجودی مقدم، مهدی، ۱۳۲۰ - ویراستار

شرابی، سمانه، ۱۳۵۱ - تصویرگر

۹۷۸۱۵۱۱ ۹۷۸۱۵۱۱ ۹۷۸۱۵۱۱



در این کتاب از «نشانه درنگ» که با علامت «» مشخص می‌شود، استفاده شده است. «نشانه درنگ» نویسه مناسبی است که به جای ویرگول ناهجا می‌نشیند و بسیاری از دشواری‌های خواننده در جست‌وجوی متن فارسی را نیز برطرف می‌کند.



پیمانه و تانه

شرح و تفسیر همه داستان‌های مثنوی معنوی
به نثر روان امروزی

• دکتر مهدی سیاح زاده •

• ویراستار: مهدی سجودی مقدم •

• مدیر هنری: نرگس باینده، تصویرگر: سمانه شریفی •

• چاپ اول: تهران، ۱۳۹۷ • چاپ: قشقایی، ۵۰۰ نسخه •

• قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان • شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۹۵-۲-۰۳



هرگونه خلاصه‌نویسی، تکثیر و یا تولید مجدد این کتاب به صورت کامل و یا بخشی از آن، اعم از چاپ، عکس، کپی صوتی یا الکترونیکی بدون اجازه‌ی کتبی ناشر ممنوع و موجب پیگرد قانونی است.

انتشارات مهراندیش

خیابان ابوریحان، نرسیده به خیابان جمهوری، کوچه رازی، بن بست مینا، شماره ۴.

تلفن: ۶۶۴۸۹۳۶۵ - ۰۲۱ - ۹۱۹۷۲۸۱۱۶۹ - ۰۹۱۲۵۵۹۱۶۰۲

www.mehrandishbooks.com mehrandishpub@gmail.com

@mehrandishbooks www.ketab.ir/mehrandishbooks



فهرست مطالب

<p>داستان کبودی زدن مرد فرزندش ۱۲۵</p> <p>داستان گرگ و روباه در عصمت شیر ۱۲۸</p> <p>داستان آن که در باغی کوهستان ۱۳۱</p> <p>داستان آمدن مهمان نواز حضرت یوسف ۱۳۳</p> <p>داستان مراد شدن کاتب وحی ۱۳۵</p> <p>داستان عبادت رفتن شخص ناشنوا ۱۳۹</p> <p>داستان صورتگری رومیان و چینیان ۱۴۳</p> <p>داستان لقمان و غلامان ۱۴۹</p> <p>داستان آتش افشانان در شهر به ایام غم‌زین خطاب ۱۵۲</p> <p>داستان تک انداختن دشمن بر روی علی ابن ابیطالب <small>علیه السلام</small> ۱۵۵</p> <p>داستان ابن ملجم، قاتل علی ابن ابیطالب <small>علیه السلام</small> ۱۵۹</p> <p>داستان حقیر شمردن ایلبس ۱۶۱</p> <p style="text-align: center;">دفتر دوم / ۱۶۳</p> <p>داستان دیدن هلال ماه در زمان غم ۱۶۵</p> <p>داستان مارگیر و مارفرد ۱۶۸</p> <p>داستان عیسی و شخص نادان ۱۷۰</p> <p>داستان اندرز گفتن صوفی به خادم خاتمه ۱۷۲</p> <p>داستان فرار «باز» شاه به کلبه پیرزن ۱۷۷</p> <p>داستان حلوا خریدن شیخ احمد جُستویه ۱۸۰</p> <p>داستان زاهدی که بسیار می‌گریست ۱۸۳</p> <p>داستان خاراندن پشت شیر ۱۸۵</p>	<p>مقدمه ۱۵</p> <p style="text-align: center;">دفتر یکم / ۱۹</p> <p>داستان پادشاه و کتیزک ۲۱</p> <p>داستان مرد بقال و طوطی ۳۱</p> <p>داستان پادشاه نصرانی گنداز ۳۳</p> <p>داستان مرد آخول ۴۰</p> <p>داستان ایللی و خلیفه ۴۵</p> <p>داستان صیاد سایه ۴۷</p> <p>داستان پادشاه مؤمن سوز ۴۹</p> <p>داستان نخعبران و شیر ۵۳</p> <p>داستان فرار از عزرائیل ۶۲</p> <p>داستان کشیرانی مگس ۶۲</p> <p>داستان هدهد و حضرت سلیمان ۶۶</p> <p>داستان سفیر روم و خلیفه دوم ۷۶</p> <p>داستان بازرگان و طوطی ۸۷</p> <p>داستان پیر چنگی ۹۵</p> <p>داستان نالدین ستون حنانه ۱۰۲</p> <p>داستان گواهی دادن سنگریزه بر حقیقت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> ۱۰۵</p> <p>داستان مرد اعرابی و خلیفه ۱۰۷</p> <p>داستان نانه صالح ۱۱۷</p> <p>داستان نحوی و کشیشان ۱۲۲</p>
---	--

داستان دزد گرفتن صاحب‌خانه.....	۲۷۵	داستان خر برقت و خر برقت.....	۱۸۷
داستان مسجد جنبر.....	۲۷۷	داستان زندانی مفلس.....	۱۹۱
داستان شخصی که شتر خود را کم کرد.....	۲۸۱	داستان شخص غریبی که خانه می‌جست.....	۱۹۵
داستان نماز خواندن چهار هندو.....	۲۸۳	داستان مردی که مادرش را کُشت.....	۱۹۷
داستان قصد کردن عُزبان به کُشتن مردی.....	۲۸۵	داستان پادشاهی که دو غلام تازه‌خریده را امتحان کرد.....	۲۰۱
داستان پیر مرد و طیب.....	۲۸۷	داستان گرفتار شدن باز میان جُفندان.....	۲۰۶
داستان جوحي و کودکی پدر مرد.....	۲۹۰	داستان کلوخ انداختن نشسته بر آب.....	۲۰۸
داستان ترسیدن کودک از مرد قوی‌جته.....	۲۹۲	داستان شخصی که در راه مردم پونه‌های خار کاشت.....	۲۱۰
داستان مرد تیراندازی که از سوارکار ترسید.....	۲۹۵	داستان ذوالنون در زندان.....	۲۱۲
داستان اعرابی و فیلسوف.....	۲۹۷	داستان خواجه و محبت لقمان.....	۲۱۵
داستان کرامات ابراهیم اظم بر آب مریا.....	۳۰۰	داستان عارف و شاه.....	۲۱۸
داستان طعنه زدن بیگانه به شیخ.....	۳۰۲	داستان انکار فیلسوف.....	۲۲۰
داستان کسی که گفت حکایت مرا بگیر نمی‌دهد.....	۳۰۴	داستان موسی و شیبان.....	۲۲۲
داستان موش و شتر.....	۳۰۷	داستان شخص خفته‌ای که در دهانش مار رفته بود.....	۲۲۸
داستان اروپایی که بدهم به دزدی شد.....	۳۰۹	داستان اعتماد کردن بر وفای خرس.....	۲۳۰
داستان حکایت صوفیان نزد مرشد از صوفی دیگر.....	۳۱۲	داستان ناپیایی که گفت دو گوری دارم.....	۲۳۳
داستان درخت حیات‌بخش.....	۳۱۴	داستان گفت‌وگوی حضرت موسی با گوساله‌پرست.....	۲۳۶
داستان دعوی چهار کس جهت خریدن انگور.....	۳۱۹	تملق کردن دیوانه از جالینوس حکیم.....	۲۳۹
داستان حیران شدن حاجیان در کرامات زاهد.....	۳۲۱	داستان دوستی دو پرنده ناهم‌جنس.....	۲۴۰
دفتر سوم/ ۳۲۷		داستان عبادت رفتن حضرت رسول (ص) ^۱	۲۴۲
داستان خوردگدان پیل‌بچه.....	۳۲۹	وحی خدا به حضرت موسی: چرا به عبادت من نیامدی.....	۲۴۵
داستان اذان گفتن بلال.....	۳۳۳	داستان باغبان، صوفی، فقیه و میبند.....	۲۴۹
داستان اهل‌الله گفتن نیازمند.....	۳۳۵	داستان شیخی که گفت کعبه منم!.....	۲۵۳
داستان شهری و روستایی.....	۳۳۸	داستان ازدواج دلفک با فاحشه.....	۲۵۶
داستان اهل سبا.....	۳۴۴	داستان خردمند دیوانه‌نما.....	۲۵۸
داستان سگی که مقیم خانه لیلی بود.....	۳۵۲	داستان حمله بردن سگ بر گدای کور.....	۲۶۰
داستان افتادن شغال در خم رنگ.....	۳۵۵	داستان محتسب و مست.....	۲۶۲
داستان مرد لاقزین.....	۳۵۷	داستان معاریه و شیطان.....	۲۶۵
داستان خواب فرعون در مورد ولادت حضرت موسی.....	۳۵۹	داستان گریه کردن قاضی.....	۲۷۱
داستان مارگیر و لژدهای فسرده.....	۳۶۸	داستان حسرت خوردن مخلص بر فوت نماز جماعت.....	۲۷۳

داستان عاشر صدر جهان ۲۵۵	داستان پیل در تاریکی ۲۷۲
داستان مسجد مهمان‌گش ۲۶۲	داستان شخص ساد لوح و سلمانی ۲۷۵
داستان طبک کودکی ۲۶۵	داستانی خواندن نامه عاشقانه در حضور معشوق ۲۷۷
داستان آب خوردن گرواسب ۲۶۹	داستان درخواست روزی بی‌روح ۲۷۹
داستان نظر کردن پیامبر ص بر اسیران ۲۷۳	داستان مکتب‌دار سخت‌گیر و شاگردش ۲۸۷
داستان دادخواهی پشه از باد نزد حضرت سلیمان ۲۷۷	داستان درویش یک دست ۲۹۱
داستان عاشق خام ۲۸۰	داستان دوراندیشی زرگر ۲۹۲
دفتر چهارم / ۲۸۵	داستان قاطر و شتر ۲۹۶
داستان واعظی که قطب سخنان را بر او می‌کرد ۲۸۷	داستان غُزُر ۲۹۹
داستان آن صوفی که در خود دنیا نگهداری گرفت ۲۸۹	داستان عارفی که بر مرگ فرزندان خود گریه نمی‌کرد ۳۰۱
داستان مرد دباغ در بازار عطاران ۲۹۲	داستان پیر نایاب و فرانت قرآن ۳۰۲
داستان شخص احمق پیش از وفات ۲۹۵	داستان تقمان وزره ساختن حضرت داوود ۳۰۶
داستان مسافر قصبی ۲۹۷	داستان سوال کردن بهلول از درویش ۳۰۷
داستان تقوا خلافت عثمان ۵۰۱	داستان ذوقی و کراماتش ۳۱۰
داستان حضرت سلیمان و بلقیس ۵۰۳	داستان گریختن حضرت عیسی از شخص احمق ۳۱۵
داستان طاعت شیخ عبدالله مغربی ۵۱۳	داستان کور دوربین، کز تیزش و برهنه درازدامن ۳۱۷
داستان معمار و مشتری گل خوار ۵۱۵	داستان خرگوش و شاه فیلان ۳۲۱
داستان درویشی که از خدا درخواست ۵۱۷	داستان دزدی که نیمشب دیوار خانه‌ای را سوراخ می‌کرد ۳۲۲
روزی حلال بدون کسب‌کار می‌کرد ۵۱۷	داستان پرنده حریص ۳۲۶
داستان هجرت ابراهیم ادهم ۵۲۱	داستان سگی که عهد کرد در تابستان برای خود خانه بسازد ۳۲۸
داستان تشنه‌ای که از درخت گردو در آب می‌افتد ۵۲۳	داستان عشق صوفی بر سفره نهی ۳۳۰
داستان پاری خواستن حلیمه از پُنان ۵۲۶	داستان امیر و غلام نماز باره ۳۳۳
داستان پادشاه گرفتن شاعر از پادشاه ۵۳۰	داستان تبدیل در تنور آتش انداختن آتش ۳۳۵
داستان آموختن گورکنش از زاغ ۵۳۴	داستان تشنگی کاروانیان عرب ۳۳۷
داستان مراقبه صوفی میان گلستان ۵۳۶	داستان سخن گفتن کودک شیر خواره ۳۴۰
داستان غلامی که عیوب خود را نمی‌دید ۵۳۸	داستان عقاب و ربودن کفش حضرت رسول ص ۳۴۲
داستان ناقة مجنون ۵۴۳	داستان مردی که از حضرت موسی درخواست کرد زبان ۳۴۳
داستان فقیهی که دزد عصامه‌اش را ربود ۵۴۶	حیوانات راه او بیاموزد ۳۴۵
داستان مرد لاقین ۵۴۹	داستان زنی که فرزندانش می‌مردند ۳۵۰
داستان مزه دادن بایزید بسطامی از زادن ابوالحسن خرقانی ۵۵۱	داستان شادی بلال موقع وفات ۳۵۲

- داستان کزو وزیدن باد بر حضرت سلیمان..... ۵۵۳
- داستان مشورت با دشمن عاقل..... ۵۵۵
- داستان سپردن فرماندهی سپاه اسلام به یک سردار جوان..... ۵۵۸
- داستان بایزید بسطامی که گفت: خدا منم!..... ۵۶۰
- داستان سه ماهی در آبگیر..... ۵۶۲
- داستان دعای استجابا..... ۵۶۷
- داستان صیاد و پرنده زبرک..... ۵۷۰
- داستان پند دادن حضرت موسی به فرعون..... ۵۷۲
- داستان بشارت پایان یافتن ملاء صفر..... ۵۷۷
- داستان بازی پادشاه و پیرزن نادان..... ۵۷۹
- داستان زنی که از حضرت علی (ع) یاری خواست..... ۵۸۱
- داستان بَدَل برخی از امیران عرب با پیغمبر (ص)..... ۵۸۳
- داستان خشم گرفتن پادشاه بر ندیمی و شفاعت عبدالملک..... ۵۸۵
- داستان پرسش حضرت موسی از خدا که چرا عیال می برد؟..... ۵۸۹
- داستان شاعرانه‌ای که پادشاهی طبیعی بر او روی نمود..... ۵۹۲
- داستان زاهدی که در سال قحطی شاد و خندان بود..... ۶۰۰
- داستان غزیر و فرزندانش..... ۶۰۲
- داستان لایه کردن قطعی به بسطی برای نوشیدن آب..... ۶۰۸
- داستان زن پلیدکار و شوهرش..... ۶۱۱
- داستان ذوالقرنین و کوه قاف..... ۶۱۵
- داستان موری که نوشتن قلم را دید و آن را ستود..... ۶۱۷
- داستان رؤیت جبرئیل..... ۶۱۸
- دفتر پنجم / ۶۲۱
- داستان چهار مرغ فته جو..... ۶۲۳
- داستان مهمان شکم‌پاره..... ۶۲۸
- داستان لهر و لطف خدا..... ۶۳۲
- داستان امرایی که سگش در حال مرگ بود..... ۶۳۵
- داستان طاهوس که پَرهای زیبای خود را می‌گند..... ۶۳۹
- داستان محوس شدن آهو در آخور خران..... ۶۴۲
- داستان فتح سبزوآر توسط سلطان محمد خوارزمشاه..... ۶۴۵
- داستان شخصی که ادعای پیغمبری می‌کرد..... ۶۲۸
- داستان عاشقی که خدمت‌های..... ۶۵۱
- خود را نزد معشوق برمی‌شمرد..... ۶۵۱
- داستان شهوت رانتن خاتون با خر..... ۶۵۲
- داستان خلقت جسم آدم..... ۶۵۸
- داستان قوم یونس..... ۶۶۷
- داستان ایاز و سلطان محمود غزنوی..... ۶۶۹
- داستان مُهد کردن مجنون..... ۶۷۵
- داستان زاهدانمای هوس باز..... ۶۷۷
- داستان توبهٔ صوح..... ۶۸۰
- داستان شیر و روباه و خر..... ۶۸۲
- داستان خر و اسب تازی..... ۶۹۱
- داستان زاهدی که توکل را امتحان می‌کرد..... ۶۹۵
- داستان مُعْتَبَر و لوطی..... ۶۹۸
- داستان فرار از خرگوبان..... ۷۰۰
- داستان شیخ محمد سرزری غزنوی..... ۷۰۲
- داستان مریخی که شیخ به حرص و ضمیر او واقف شد..... ۷۰۸
- داستان گاوی که شب‌ها غصه می‌خورد..... ۷۱۱
- داستان شخصی که در جست‌وجوی آدم بود..... ۷۱۳
- داستان دزد میوه و باغبان..... ۷۱۶
- داستان درویشی که به خدا اعتراض کرد..... ۷۱۹
- داستان نکوهش خوشاوندان مجنون..... ۷۲۳
- داستان جُوحی، در مجلس وعظ..... ۷۲۵
- داستان کافری که گفتند مسلمان شو..... ۷۲۹
- داستان مؤذن زشت‌آواز..... ۷۳۱
- داستان زن نابکار..... ۷۳۳
- داستان امیر و زاهد ریایی..... ۷۳۶
- داستان ضیاء دلق و شیخ الاسلام بلخ..... ۷۴۰
- داستان شطرنج‌بازی شاه بُزْغَمَد و دلقک..... ۷۴۳
- داستان پیغمبر (ص) در غار حرا..... ۷۴۷

داستان زنی که از لباس پاره و چرکیش شکوه می‌کرد.....	۸۴۹	داستان مهمان ناشناس.....	۷۴۹
داستان ریش راهب.....	۸۵۱	داستان پند دادن پدر به دختر نوحروس خود.....	۷۵۲
داستان فقیری که گنج بدون رنج می‌طلبید.....	۸۵۳	داستان صوفی لافزن.....	۷۵۲
داستان مرید شیخ حسن خرقانی.....	۸۵۸	داستان جهاد اکبر عیاضی.....	۷۵۷
داستان سه همسفر یهودی، مسیحی و مسلمان.....	۸۶۲	داستان مجاهدۀ صوفی صالحی.....	۷۶۰
داستان شتر، گاو و فوج.....	۸۶۶	داستان کنیزک و پهلوان و خلیفۀ مصر.....	۷۶۲
داستان ستم کردن شاه در گلد مسجد.....	۸۶۸	داستان گوهر شکستی ابازا.....	۷۶۹
داستان شاه یزید و دلقک.....	۸۷۰	دفتر ششم / ۷۷۳	
داستان موش و چغز.....	۸۷۵	داستان مرغی که سر بسوی شهر و دم بسوی ده داشت.....	۷۷۵
داستان این الوقت بودن موش.....	۸۷۹	داستان غلام هندو.....	۷۷۸
داستان سلطان محمود و جمع شب‌دزدان.....	۸۸۲	داستان مردی که سنگ آتش‌زنه‌اش مدام خاموش می‌شد.....	۷۸۳
داستان گاو دریایی و گوهر سب چراغ.....	۸۸۷	داستان حسد امیران بر ابازا.....	۷۸۵
داستان عبدالغفور و پیر.....	۸۸۹	داستان پرنده و صیاد حبله‌گر.....	۷۸۹
داستان مرد امدار و معشوب تبریز.....	۸۹۳	داستان دزدان و مرد سادطوح.....	۷۹۲
داستان جملر طیار و فتح قلعه.....	۸۹۸	داستان های‌رهوی کردن پاسبان.....	۷۹۶
داستان این خریدن عمر از ناتوی کاشی.....	۹۰۰	داستان عاشقی که خویش در بود.....	۷۹۹
داستان غرور گوسفند از زمه حضرت موسی.....	۹۰۲	داستان امیر ترک و رامشگر.....	۸۰۱
داستان تعلق خاطر خوارزمشاه به سب یکی از امیران.....	۹۰۴	داستان نابینا در خانه پیامبر (ص).....	۸۰۵
داستان باری خواستن حضرت یوسف از یک زندانی.....	۹۰۷	داستان عزاداری عاشورا در حلب.....	۸۰۷
داستان وژ هوش‌زبا.....	۹۰۹	داستان کسی که نیمه‌شب سحوری می‌زد.....	۸۱۱
داستان بخشش های صدر جهان.....	۹۲۳	داستان آحدآحد گفتن بلال.....	۸۱۲
داستان دو برادر کوبه و آنرزد.....	۹۲۷	داستان بیماری جلال.....	۸۱۹
داستان پادشاه و قلبه شراب‌خور.....	۹۳۰	داستان اسی که واپس می‌رفت.....	۸۲۲
داستان امیر تالقیس و پادشاه روم.....	۹۳۳	داستان هموزهای که هوس شوهر کرده بود.....	۸۲۵
داستان اسرار گنج در مصر.....	۹۳۷	داستان گدا و مرد گیلاتی.....	۸۲۸
داستان عشق فاضی به زن جوحی.....	۹۴۳	داستان گدایی که هر چه از صاحب خانه خواست گفت نیست.....	۸۳۰
داستان رحم آوردن عزرائیل.....	۹۴۸	داستان مرد بیماری که طیب در او امید صحت نداشت.....	۸۳۳
داستان وصیت پدر به فرزندان.....	۹۵۱	داستان سلطان محمود و غلام هندو.....	۸۳۸
منابع و مأخذ.....	۹۵۵	داستان خیاط شوخ طبع.....	۸۴۳
		داستان زنان بسیار در جهان.....	۸۴۶

— مقدمه —

از زمانی که ذوق و شوق مثنوی در دل و جانم نشست و به خواندن این اثر بزرگ شگفت‌انگیز پرداختم، همواره فکر می‌کردم، ما ایرانیان چه خوببخت هستیم که مولوی هم‌زبان ماست و می‌توانیم بدون ترجمه آثار نغز این عارف بزرگ را بخوانیم. اما از همان ابتدای مطالعه دفتر اول مثنوی بی‌بردم که خواندن و فهم آن حتی برای فارسی‌زبانان نیز مشکل است. شرح‌ها و تفسیرهایی هم که به قلم توانای استادان و مولوی‌شناسان نامدار (جز چند شرح) نوشته شده، خود چنان دشوار است که باید برای آن‌ها نیز شرح و تفسیر نوشت. تردیدی ندارم که این کتاب‌ها برای دانشجویان و اهالی ادب و قلم نگارش یافته و طبیعی است که فهم آن نیز نمی‌تواند برای عامه فارسی‌زبانان آسان باشد. این بود که همواره آرزوی می‌کردم کاش این اثر عظیم و آسمانی که پر از مطالب عرفانی و اجتماعی است، چنان به‌تر نوشته شود که همه کسان، حتی کسانی که در حد پایینی از تحصیلات هستند، بتوانند آن را بخوانند و بفهمند. از آن بهره بگیرند.

این اندیشه رهایم نمی‌کرد تا اینکه برای نوشتن کتاب و چنین گفت مولوی، ناگزیر تمامی مطالب مثنوی را همراه با بسیاری از شرح‌ها و تفسیرهای گوناگون خواندم و مطالبی را به‌عنوان مأخذ یادداشت کردم تا هنگام نوشتن آن کتاب استفاده کنم. حاصل این کار چندین‌ساله انبوهی از یادداشت‌ها و مطالبی شد که خود می‌توانست کتاب یا کتاب‌های جداگانه‌ای باشد. این بود که کتاب و چنین گفت مولوی، مادر چند کتاب دیگر شد:

۱. فرهنگ مختصر میانی مثنوی؛ شامل ابیاتی از دفتر اول مثنوی است، که بنا به موضوع آمده است.^۱
۲. گلپیت‌های شمس؛ که این نیز بنا به موضوع، ابیات بسیار مهم دیوان شمس در آن جمع‌آوری شده است.^۲
۳. سرانجام همین کتاب «پیمانده و دانه» که کلیه داستان‌های مثنوی (حتی کوتاه‌ترین آن‌ها) به‌تر همراه با شرح و تفسیر ساده و مختصر نگاشته شده است.

۱. سیاح‌زاده، مهدی، و چنین گفت مولوی، چاپ دوم (تهران، مهرتاب، ۱۳۹۲).

۲. این کتاب توسط انتشارات مهرتاب در دست چاپ است.

۳. سیاح‌زاده، مهدی، گلپیت‌های شمس، در ده‌هالی از دریای غزلیات مولوی، چاپ اول (تهران، مهرتاب، ۱۳۹۲).

در این کتاب نیز، مانند کتاب‌های دیگر، سعی کرده‌ام مطالب در ساده‌ترین کلمات و جملات حتی گاه به صورت محاوره‌های روزمره نوشته شود. زیرا بسیار مایلم که همه فارسی‌زبانان بتوانند آن را براحتی بخوانند؛ بدون آنکه نیروی ذهنی اضافه‌ای برای درک لغات و جمله‌های سخت آن صرف کنند.

همان‌گونه که در یادداشت کتاب‌های دیگرم ذکر کرده‌ام، در واقع این کتاب‌ها مراحل مقدماتی درک مطالب پیچیدهٔ مثنوی است. اگر این شرح ساده و اولیهٔ داستان‌های مثنوی بتواند در تنی چند از خواننده‌ها شوق ادامهٔ کاوش در مثنوی را برانگیزد تا نزد استادان و مولوی‌شناسان ارجمندمان بروند و در محضر آنان مراحل عالی را بیاموزند، من پاداش خود را گرفته‌ام.

بیان چند نکتهٔ مهم در اینجا ضروری است:

۱. آن‌گونه که مولوی‌شناسان نامدار ما گفته‌اند، مثنوی شامل چندین لایه از معنی است. سطح ظاهری آن همین صورت داستان‌ها و قصه‌هایی است که می‌توانند برای کثیری از مردم قابل فهم باشند. اما زیر این سطح لایه‌های دیگری از معنا وجود دارند که هرکس متناسب با فهم و درک و «تعمیر» خود آن‌ها را می‌فهمد و بهره می‌گیرد. این معانی و نکات عرفانی در مسیر داستان و یا پس از قصه‌ها بیان شده‌اند که طبیعتاً نمی‌شود تمامی آن‌ها را در این مجموعه گرد آورد. باین حال کوشیده‌ام هنگام نقل این داستان‌ها نمادها و سمبل‌های موردنظر مولوی را روشن کنم و تفسیر مختصری از آن‌ها ارائه دهم. تفسیر کامل تقریباً ۲۲۰۰ بیت اول مثنوی (از حدود ۲۶۰۰۰ بیت سراسر مثنوی) را پیش از نوشته‌ام که به نام «و چنین گفت مولوی» منتشر شده است.

۲. مولوی برای بیان حقایق عرفانی، همانند کتاب‌های مقدس مسکانه (تورات، انجیل و قرآن)، از روش تمثیل استفاده کرده است. داستان‌های مثنوی سراسر رجزی است که خمیرمایهٔ این حکایت‌ها اغلب قصه‌های عامیانهٔ مردم زمان او و یا رویدادهای تاریخی تا زمان او هستند. هر شخصیت داستانی در آن‌ها، نماد طرز فکر و منش، و نیز پایگاه اخلاقی، اجتماعی، روانی و ... ویژهٔ خود اوست.

مولوی گاه واقعیت‌های تاریخی را برای بیان نظر خود تغییر می‌دهد. زیرا از دید او قصه و داستان و حتی رویداد تاریخی، مانند «پیمانه» ای است که نکات عرفانی، اخلاقی، اجتماعی و روان‌شناختی موردنظر خود را مانند «دانه» در آن می‌ریزد تا به قول خود او «مرد عقل» بنا به توانایی فکری و معنوی خود چندتایی از میان پیمانه بردارد و کام جانش را شیرین کند.

ای برادر، قصه چون پیمانه‌ای است معنی اندر وی مثال دانه‌ای است

دانه معنی بگرد مرد عقل ننگرد پیمانه را گر گشت نقل ۳۶۲۲/۲

مثنوی پر است از این پیمانه‌ها و دانه‌ها. این است که نام این کتاب را «پیمانه و دانه» گذارده‌ام و این دو بیت را در هر دفتر از دفترهای مثنوی آورده‌ام تا خواننده همواره به یاد داشته باشد که اگر طوطی با بازرگان سخن می‌گوید، (داستان بازرگان و طوطی)، اگر شیر در دام خرگوش می‌افتد، (داستان شیر و نجحیران) و حتی اگر سنگریزه در مشت ابو جهل به حقیقت پیامبر گواهی می‌دهد، باید اصل داستان را فقط به عنوان پیمانه بنگرد و

تمامی توجه خود را برای درک دانه‌های آن (که خود مولوی غالباً در لابه‌لای ابیات توضیح داده) معطوف دارد. نکته مهم دیگر آنکه: این داستان‌ها چنان درهم آمیخته شده که خواننده را گرفتار پیچیدگی بسیار می‌کند. مولوی مثل دیگر عارفان و شعرای نامدار مانند عطار، سنایی، نظامی، سعدی و دیگران نبوده که یک طرح از پیش ساخته شده در ذهن خود داشته باشد و بنشیند و آن را بسراید و به این ترتیب همه اجزای داستان پشت سر هم بیاید و خواننده، راحت و بدون دغدغه، همه را بخواند. مولوی به هیچ وجه چنین نبوده است. او از طریق اصل «تداعی آزاد» این کتاب شگفت‌آفرین را خلق کرده است. به این معنی که داستانی را آغاز می‌کند، هنوز چند بیت از آن را بیان نکرده، بنا به ذکر واژه‌ای یا کلمه‌ای یا واقعه‌ای در آن داستان ذهن پویایی او متبادر می‌شود به موضوعی دیگر و بدون آنکه صبر کند که این داستان را به اتمام برساند. بلافاصله در باب آن مطلب دیگر سخن می‌گوید. جالب این است که اگر در این داستان دوم هم موضوعی توجه او را جلب کند، بی‌وقته به آن می‌پردازد و پس از گذشتن از دهلیزها و دالان‌های پرپیچ و خم قصه‌های متعدد خود، بار دیگر بدون هیچ مقدمه‌ای، به داستان اصلی باز می‌گردد و آن را ادامه می‌دهد و هنوز آن را به پایان نبرده، دوباره خواننده را در داستان‌ها و مطالب عمیق اخلاقی و عرفانی و روان‌شناختی خود درگیر می‌کند؛ به طوری که پیدا کردن ادامه داستان‌ها در مثنوی بسیار سخت و نفس‌گیر می‌شود. مثنوی مانند دریایی است متلاطم که موج پشت موج می‌آید و نویسنده نیز به نیت غوطه‌ور شدن در این دریای خروشان خود را در امواج آن رها کرده، حاصل این بحر پیمایی همین کتابی است که شما در دست دارید.

۴. شماره جلد‌ها و ابیات مثنوی معنوی بر اساس نسخه «شرح جامع مثنوی معنوی» تنظیم شده است.^۱ اما همه ابیات این کتاب از نسخه نیکلسون اخذ شده است.

۵. در خصوص کلیات شمس نیز از نسخه «کلیات شمس یادیوان کبیر» استفاده شده است.^۲

۶. فهرست مأخذ و منابعی که برای تألیف این مجموعه داستان‌ها استفاده کرده‌ام، در پایان کتاب آمده است. باین حال لازم می‌دانم از کتاب پر حجم و پر مغز و به موقع راهگشای «شرح جامع مثنوی معنوی»، تألیف استاد کریم زمانی یاد کنم که در این مجموعه از آن بسیار بهره گرفته‌ام.

بدون برخورداری از محیط آرام و بی‌دغدغه‌ای که هم‌سر من در تمامی مواقع از زندگی، از جمله هنگام نوشتن این کتاب، برایم فراهم کرده است، اتمام این کار بسیار دشوار بود. این است که با اخلاص پاری و همراهی این وجود عزیز را قدر می‌نهم و سپاسگزارم.

مهدی سیاح‌زاده

لس‌آنجلس - ۱۳۹۴ ش، ۲۰۱۶ م

۱. زمانی، کریم، شرح جامع مثنوی معنوی. (مؤسسه اطلاعات).

۲. جلال‌الدین محمد بن محمد بن مولوی، محمد حسن فروزنگر. کلیات شمس یادیوان کبیر. (دانشگاه تهران).